

روزنامه هگمتانه - ۱۳۸۵/۳/۲۸

استمداد یک بانوی مسلمان از علما و مسئولان قضایی و اجرایی همدان

چون بهایی نشدم زندگیم را گرفتند

مدعیان حقوق بشر جنایت آفریدند



هگمتانه - گروه خبر: آن گروه از همشهریان و هم استانی های گرمی که سال های دهه ۵۰ (هجری شمسی) را به خاطر می آورند تصدیق خواهند کرد در آن شرایط خاص فرقه ضاله، بهائیت که ساخته و پرداخته استعمار بین الملل است چگونه توانست در شهرها و روستاهای استان به ویژه در روستاهای حاشیه شهر همدان تعدادی از جوانان ساده دل و خانواده های فقیر و تهیدست را فریب داده و ظاهرا آنها، را به سمت کیش و آئین پوشالی خود بکشاند.

این روند علی رغم تشکیل انجمن های ضد بهائیت در همدان و تلاش گسترده متشرعین و دلسوزان اسلام برای خنثی کردن تبلیغات سوء این فرقه تا اوایل انقلاب ادامه یافت تا این که پس از پیروزی انقلاب و افتادن نقاب تزویر از چهره مزدوران استعمار و فراماسونری بین الملل گروه گروه فریب خوردگان دوباره اسلام آوردند و با اعلام مراتب تنفر و انزجار خود در روزنامه های کشوری و محلی از مردم مسلمان ایران، ائمه معصومین(ع)، رسول مکرم اسلام(ص) و حضرت حجت (عج) عذرخواهی نموده و طلب عفو کردند. اما در عصر حاضر به دنبال اسلام خواهی جهانیان و همچنین وحدت ایجاد شده بین مسلمین از جمله شیعه و سنی متأسفانه چند سالی است دوباره بهائیت جهانی با سرمایه گذاری هنگفت و با استفاده از وسایل و ابزارهای مدرن ارتباطی در صدد جلب و جذب جوانان ساده دل برآمده و قصد ایجاد تفرقه در صفوف به هم پیوسته مسلمین را دارند. همانگونه که در جلسه اخیر شورای اسلامی شهر همدان نیز نسبت به تحرکات اخیر بهائیت در همدان اعلام خطر شد در این شماره با چاپ نامه دادخواهی یک بانوی مسلمان از مسئولان می‌خواهیم جدا در این زمینه چاره جویی نمایند.

مدعیان حقوق بشر جنایت آفریدند

اینجانب مریم زارعی، مسلمان زاده و مسلمان در سال ۱۳۷۴ با مردی از بهائیان مسلمان شده بر اساس شرع مقدس اسلام و



فقه جعفری ازدواج نمودم. در پنج سال اول زندگی به دلیل دوری از تشکیلات بهائیت، زندگی شیرینی داشتیم، اما از سال ۱۳۷۹ که به مرکز استان نقل مکان کردیم بازوان اختاپوسی تشکیلات بهائیت در زندگی ام گره خورد. آن ها کم کم توانستند همسرم را دوباره اغفال کرده و از طریق او درصدد ایجاد انحراف عقیدتی در من برآیند. تشکیلات بهائیت با چیدن مهره های گوناگون از عناصر بهائی در

حریم زندگی ام قدرت اراده و تفکر را از من سلب نموده بود، آن ها با ظاهری کاملا فریبنده و مهربان و لیکن مسموم و

هدمند و کینه توزانه نسبت به اسلام و مسلمین وارد شدند. از زمانی که به هویت شیطانی آنها واقف شده و با تقاضای آنها جهت گرایش و پذیرش بهائیت پاسخ منفی دادم. چهره واقعی آنها برایم نمایان شد و بهائیان با توسل به ترفندهائی که از اربابانشان آموخته اند باب آزار و اذیت را گشوده و مرا از خانه و زندگی ام بیرون کرده و از دیدار دو فرزند خردسالم محروم نمودند. ای زعمای بزرگوار دین، ای علما و دانشمندان اسلام و ای مومنین به اسلام و مذهب تشیع و ای جوانان مسلمان و برومند شهر همدان بدانید من از زمانی که به خواسته تشکیلات بهائیت پاسخ منفی دادم از بدیهی ترین حقوق مادری خودم محروم شدم. آن ها با کتک کاری و تهدیدات گوناگون از خانه و زندگی ام بیرونم کردند و حتی حق ملاقات با فرزندان خردسالم را از من گرفتند، زندگی ده ساله ام را به راحتی تخریب کردند. با کلنگ مهربانی و لبخند کانون زندگی ام را ویران کردند. با هجمه های فراوان تمام مقدسات مذهبی ام را نشانه رفتند. من از ریاست محترم قوه قضائیه و مسئولین محترم استان طلب مساعدت داشتم و دادخواهی خودم را از این طریق اعلام میرزا دارم و امیدوارم زندگی من درس عبرتی باشد تا دیگر مسلمین گول ظاهر فریبنده تشکیلات بهائیت و بهائیان کینه توز نسبت به اسلام را نخورند.



روزنامه هگمتانه ۱۳۸۵/۳/۲۹

اظهار همدردی مردم همدان با بانوی مسلمان

دیروز در صفحات اول و دوم هگمتانه به نقل از یک زن مسلمان خبر تکان

دهنده ای را منتشر کردیم با این عنوان که «چون بهایی نشدم زندگیم را گرفتم» به دنبال انتشار این خبر بیش از ۲۰ تماس تلفنی و چند مراجعه حضوری با دفتر هگمتانه صورت گرفت و مردم مومن و مهربان همدان مراتب آمادگی خود را برای حمایت از چنین همشهروانی اعلام کردند. گرچه در میان این تماس ها جای مسئولان ذیربط خالی بود و هر چه انتظار کشیدیم صدای هیچ یک از مدیران نهادهای مسئول را نشنیدیم و پیغامی از سوی آنان دریافت نکردیم، اما مردم شریف استان به ویژه همدان واقعا نشان دادند که در این مورد چقدر حساس و نگرانند. در همین خصوص دو تماس تلفنی داشتیم مبنی بر این که فرقه منحرف بهائیت با تجدید قوا و استفاده از مساعادت های دلاری سازمان سیا و استعمار پیر انگلیس عزم

خود را برای به انحراف کشاندن جوانان جزم کرده و مواردی را بیان هستیم. همچنین یک شهروند همدانی صبح دیروز به بازگوئی ماجرای برای خود وی اتفاق افتاده که ان شا الله در آینده نزدیک همانند مورد در هگمتانه منتشر خواهیم کرد و برای بستن آب به لانه این مورچگان نخواهیم نمود. پیشنهاد میکنیم در این زمینه کمیته ای متشکل از حوزه علمیه و رسانه های جمعی تشکیل شده و با دقت و ریز بینی کامل وابسته به استعمار و صهیونیسم جهانی را پیگیری و نتیجه را برای ایجاد رسانه ها بازتاب دهند. تردیدی نیست که فرقه مذکور با سوء استفاده از بیکار و با ارزیابی کامل از ابعاد شخصیتی افراد، طعمه هایش را انتخاب می



خانواده های محترم همدانی و جوانان هوشیار و مومن توصیه میرزا کنیم مراقب دلسوزی ها و دوستی های خاله خرسه گونه دشمنان اسلام باشند و هر پیشنهادی را به سادگی نپذیرند به ویژه از پذیرش بعضی دعوت ها و حضور در مهمانی های

مشکوک که بعضا صبغه فرهنگی، اجتماعی و گاه آیینی دارند جدا اجتناب نمایند. در این زمینه باز هم با شما سخن خواهیم گفت.



هگمتانه - ۱۳۸۵/۳/۳۰

تبلیغات بهائیت فراگیر است مسئولان دخالت کنند

به دنبال انتشار خبر تکان دهنده و ناگوار مصیبتی که بر یک زن مسلمان روا داشته شد و بازتاب گسترده این خبر، طی ۴۸ ساعت گذشته تماس های بی شماری با مسئولان هگمتانه صورت گرفت و اطلاعاتی در همین زمینه در اختیار ما گذاشته شد که متأسفانه به

دلایل خاص در این شرایط مجاز به انتشار آنها نیستیم اما همین قدر میگوییم که تحرکات فرقه ضاله بهائیت در همدان ریشه هایش عمیق تر از آن است که همه تصور می کردیم. اطلاعات حکایت از آن دارد که این شبکه به صورت کاملاً سازمان یافته و تشکیلاتی عمل می کند و روش های ورود آنها به درون خانواده ها و جذب جوانان مستعد گرایش بسیار زیرکانه، هدفمند و مزورانه است. در این شرایط وظیفه ما صرفاً اطلاع رسانی و اعلام خطر و هشدار به مردم و مسئولان است و هر عقل سلیمی هم می پذیرد که بضاعت ما بیش از این نیست حال بقیه کار به مسئولان نهادهای متولی برمی گردد که گریبان ما را بگیرند و پیرسند از که می گویند و از چه می نالید. باور کنید حساسیت مردم معمولی کوچه و بازار نسبت به موضوع و اعلام خطر ما قابل قیاس با واکنش مسئولان نیست. چه باید کرد که آقایان مجبور به واکنش و دخالت شوند؟ آیا توقع این است که به عنوان خبر نگار و چشم و گوش جامعه حتماً عریضه بنویسیم تا رسیدگی شود؟ آیا تیتتر یک روزنامه استان نمی تواند به اندازه یک کف دست عریضه در رسیدگی به موضوع تاثیر گذار باشد؟ آیا باید هر روز عکس و داستان دیگری از تهاجم و تحرکات این فرقه منحرف به امت اسلام را چاپ و منتشر کنیم که مسئولان محترم پیگیر شوند. اگر چنین است ما آماده ایم اما بپذیرید که تبعات منفی انتشار موضوع بسیار سنگین تر از بازتاب های مثبت آن است. امیدواریم بدون نیاز به عریضه نویسی و حضور فیزیکی در ادارات نسبت به این خطر بزرگ که منحصر به همدان هم نیست عکس العمل مناسب بروز دهید.



هگمتانه - یکشنبه ۱۳۸۵/۵/۴

من هم مثل تو از دست این جماعت، روحم خدشه دار و دلم پر از آتش است

هگمتانه - گروه خبر: در هگمتانه هفته قبل رنجامه زن جوانی را منتشر کردیم

که به دلیل استقامت در مقابل تشکیلات منحرف و اختاپوس گونه بهائیت و پافشاری بر دین و اعتقادات نورانی مذهب شیعه مورد خشم و غضب این جماعت قرار گرفت و ناچار شد برای احیای حقوق شرعی و قانونی اش به هگمتانه متوسل شود. به دنبال انتشار داستان غمبار زندگی این زن مسلمان موجی از نفرت بر سراسر شهر و استان حاکم شد و ده ها شهروند با تماس های تلفنی و حضوری خود از ما خواستند این موضوع را تا آخر پیگیری کنیم. دیروز در همین راستا خانمی را ملاقات کردیم که دردی مشابه درد مریم داشت نامه ایشان را خطاب به خانم زارعی با هم می خوانیم.

به نام ایزد پاک

سلام دوست عزیز

داستان غم انگیز زندگی را خواندم و از اندوه تو به ستوه آمدم. تو اولین قربانی تشکیلات بهائیت نیستی و قطعاً آخرین نیز نخواهی بود. این غده سرطانی اجسام افراد را نشانه نرفته است که با فنای آنها به پایان رسد، سرطان روح است که عذابی جاودان در پی دارد. خوشا به سعادت تو که قبل از غروب زندگی زورق شکسته ات را به ساحل بردی و از چنگال اختاپوسی این تشکیلات شیطانی رها گشتی. می دانم بهای سنگینی پرداختی و فصل سبز زندگی در خزان زرد گشت. آیا می دانی که



من هم قربانی همین تشکیلاتم؟ گرچه قبل از فرو رفتن در این باتلاق دست خدا یاریم کرد و نجاتم بخشید. اما من هم مثل تو از دست این جماعت روح خدشه دار و دلم پر از آتش است اما امروز آن چنان به لطف پروردگار و رحمت بی کرانش امیدوارم که خود را جزو سعادت مند ترین افراد روی زمین می پندارم. ما در این ره نه پی حشمت و جاه آمده ایم از بد حادثه اینجا به پناه آمده ایم

رهرو منزل عشقیم و ز سرحد عدم تا به اقلیم وجود این همه راه آمده ایم

مطمئناً امثال من و تو پاسخ رنج هایمان را از امام زمان (عج) خواهیم گرفت. او که شاهد ظلم و ستم این از خدا بی خبران است، او که شاهد دین سازی و بدعت گذاری و این بار گران است، روزی که خورشید مبارک وجودش چهره گشاید ساز و برگشان را فرو خواهد ریخت و پرده از روی سیاهشان خواهد کشید. بهائیت حزبی نیست که در عصر علم و منطق دوام آورد. این حزب سیاسی زیر سوال کودکان چند ساله اش کمر خم کرده و مجال اثبات مدعای دروغینش نیست. زمان بلوا و آشوب، ناآگاهی و فریب، سپری گشته و امروز مدعیان حقیقت باید متوسل به قدرت لایتناهی باشند. فصل فریب و حزب و سیاست رو به پایان است و این فرقه مغالطه کار توده آتشی است که فقط اطراف نزدیکانش را می سوزاند و سرانجامی جز افول نابودی در پیش رو ندارد. بیا دوست من همراه من باش تا دست در دست هم راه را برای ظهور حضرت امام زمان، مهدی موعود (عج) هموار کنیم، بیا تا بنیان این فرقه کاملاً سیاسی را از ریشه برکنیم تا قربانیان دست ستمکارش کمتر شوند. نمی دانم چقدر با کتاب های (مسلخ عشق، سایه شوم تشکیلات بهائیت، چرا مسلمان شدم.....) من آشنائی؟ قسمت هایی از این مسلخ عشق بی شباهت به زندگی تو نیست!! این ها عشق را به صلابه کشیده اند و دم از صلح و دوستی می زنند و سکوت تو مرگ مظلومانه تو است. فریاد برآر تا صدایت به گوش سایر سینه سوخته گان نیز برسد و ندایت را با خروج از این تشکیلات سیاسی با اعلام مطالبی که در حق تو رفته است به گوش عدالت جویان و عدالت طلبان برسان. خواهرم فریاد برآر تا مردم مسلمان بدانند در پس این لبخند های کذایی بهائیان چه توطئه هایی نهفته است. خواهرم با فریادت پرده از چهره مخوف تشکیلات بهائیت و عناصر وابسته به آن برکش و نمایان ساز که این جماعت به بدیهی ترین حقوق انسانی پایبند نیستند. دستان خسته ات را می بوسم و بر اولین گام های مفید زندگی درود می فرستم.....

دوست تو مهنار رثوفی

بهائی مسلمان شده و نویسنده علیه بهائیت

هگمتانه - سه شنبه ۱۳۸۵/۴/۶

تهدید:

تبلیغات علیه بهائیت را متوقف کنید!



خوانندگان ارجمند هگمتانه حتما استحضار دارند که چندی پیش داستان غم بار زن

جوانی را در روزنامه منتشر کردیم که حاضر به گرویدن به آیین پوشالی فرقه بهائیت در همدان نشده بود. لذا گردانندگان این تشکیلات ملحد و منحرف این زن را از سه فرزندش جدا و زندگی پر درد و رنجی را برایش رقم می زنند. به دنبال درج این مطلب زن جوان دیگری که از این تشکیلات بریده و با کمک قلم توانای خود مبادرت به افشاکاری علیه بهائیت و برملا کردن ترفندهای این فرقه وابسته به صهیونیسم و فراماسونری بین الملل نموده بود با ما تماس گرفت و نامه ای را برای چاپ در اختیار ما گذاشت که خطاب به خانم زارعی (بانوی مسلمان اولی) نگاشته بود. ما نیز با درج کامل نامه خانم رثوفی به

همراه دو قطعه عکس و سه جلد کتابی که منتشر کرده اطلاعات دادیم. در ادامه دیروز با مردی ملاقات کردیم که او هم رنجنامه ای اولین فرصت نسبت به چاپ داستان زندگی و رنج هایی که بر او روا در صدد بودیم در هگمتانه امروز اظهارات این مرد مسلمان بریده از تفصیلات و شرح ماقوع را منتشر کنیم اما برقراری دو تماس تلفنی و دیگری با تلفن همراه سرویس خبر ما را بر آن داشت در این عمل کنیم؛ تماس گیرندگان که یک زن و یک مرد بودند و به لهجه هر دو تماس صراحتا هگمتانه و دست اندرکاران اصلی این نشریه را آشکارا اعلام کردند در صورت ادامه تبلیغات بهای آن را خواهید از تلفن های عمومی سطح شهر استفاده شده بود تمامی گیرندگان



جریان سازانی معرفی کردند که برای مقاصد خاص این مقطع زمانی را برای نابودی فرقه بهائیت انتخاب کرده اند. این آقا و خانم علیرغم آن که حرف خود را زدند اما حاضر نشدند توضیحات ما را گوش کنند و با عصبانیت ارتباط را قطع کردند. لذا ما نیز با اغتنام فرصت به این دو نفر و تمامی همگرایان آنان اطمینان می دهیم به هر قیمتی که شده تا حصول نتیجه قطعی که متلاشی شدن باند و فرقه شما در شهر و استان همدان است به اندازه سر سوزنی کوتاه نخواهیم آمد و هر بهایی را که شما تعیین کنید با میل و رغبت و طیب خاطر خواهیم پرداخت. به همین خاطر فردا با عکس و تفصیلات پرده دیگری را از چهره مزور و پر راز و رمز شما کنار خواهیم زد و مسائلی را افشا خواهیم نمود که تا کنون درباره انتشار آنها مردد بودیم مطمئن باشید با اتکاء به خداوند و مدد قلم به تمامی دمل های چرکین حاصل از وجود پلید گردانندگان اصلی بهائیت در استان، نیشتر خواهیم زد و برای پاکسازی جامعه اسلامی از وجود کثیف و عفن مرددان و منکران دین و شریعت علوی از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد.

روزنامه هگمتانه ۱۳۸۵/۴/۱۱

تظلم خواهی بهزاد جهانگیری بهایی مسلمان شده از تشکیلات بهائیت



با عرض ادب و احترام به ساحت تمام مومنین به دین اسلام خاصه شیعیان و منتظران حضرت مهدی موعود(عج). خاطر عزیزان را مستحضر می دارد اینجانب بهزاد جهانگیری فرزند نورالدین (شماره شناسنامه ۵۲۲۹، متولد ۱۳۴۶ همدان) به عنوان قربانی دیگر دسیسه های شیطانی تشکیلات بهائیت به برخی از مظالم عدیده ای که از سوی این جماعت بر من وارد شده است ذیلا اشاره می کنم و بدین وسیله تظلم خواهی خود را از این تشکیلات تقدیم شما ملت مسلمان و مقامات جمهوری اسلامی کرده و امید به پیگیری و احقاق حقوق مسلوبه خویش را دارم. ۱- این جانب از دوران طفولیت به اجبار تشکیلات بهائیت در کلاس های آموزشی بهائیت وارد شده و با اجبار همین تشکیلات در سال ۱۳۶۲ در سن شانزده سالگی در اثر فشار روحی و روانی فراوان که با ابزار خانواده بر من وارد می شد بدون این که اجازه تحقیق در انتخاب دین را داشته باشم توسط خانمی به نام اختر کوثری معروف به خانم نعیمی یکی از اعضای تشکیلات در استان همدان تسجیل شده و بهائی شدم.

تظلم خواهی بهزاد جهانگیری بهایی مسلمان شده از تشکیلات بهائیت

لازم به ذکر است که این رفتار سرلوحه تشکیلات بهائیت برای همه جوانان و نوجوانان است که بدون چون و چرا باید بهائی شوند در غیر این صورت مورد قهر و غضب تشکیلات بهائیت قرار می گیرند و آنقدر فشار روانی بر آن ها وارد می کنند که چاره ای جز بهائی شدن نداشته باشند.

۲- در سال ۱۳۶۹ در سن ۲۳ سالگی تصمیم به ازدواج با دختر مسلمانی را گرفتم (به جهت ارتباط با مسلمانان در ایام خدمت سربازی از ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ علاقمند به دین اسلام و ازدواج با دختر مسلمان شده بودم) که باز هم تشکیلات بهائیت سد راهم شد و این اجازه را از من سلب نمود. تشکیلات بهائیت با تحمیل فشار مضاعف و تهدید و ارباب از طریق خانواده همچون رانده شدن از خانه، ضرب و شتم فیزیکی، توهین و برخوردهای روانی نهایت استفاده را نموده و اجازه نداد من با دختر مسلمانی ازدواج کنم. برای آنها تشکیلات بهائیت اهمیتش بالاتر از زندگی اشخاص است و سر نوشت اشخاص اهمیتی برای آنها ندارد که چگونه در آینده زندگی خواهند کرد. پیروی از دستورات تشکیلات با تحمل تمامی بدبختی ها متعاقب آن دو راهی است که آن ها در مسیر من قرار داده بودند.

۳- در سال ۱۳۷۰ با برنامه ریزی قبلی تشکیلات بهائیت ازدواج تشکیلاتی را با دختر خانمی بهائی از کردستان بر من تحمیل کردند تا به زعم خود، هم من و هم این خانم که سودای گرایش به اسلام را داشت در بهائیت ابقا کنند.

۴- در سال ۱۳۷۱ در اثر تصادف با فردی مسلمان یکی از پاهایم ناقص شد و امروزه با پای مصنوعی حرکت می‌کنم. در همان ایام که بهائی بودم در زمان بستری در بیمارستان با اصرار تشکیلات بهائیت که دنبال مطرح کردن خود و افکار و عقاید پوشالی خود در ذهن خانواده مسلمان بودند مرا مجبور به دادن رضایت کردند تا از بهائیت و بهائیان ملکه ای در ذهن خانواده های مسلمان بسازند. دریغ از آن که امروزه من با پای ناقص در مانده از توان کار مانده ام و نمی‌دانم حق پایمال شده خود از سوی تشکیلات بهائیت را چگونه زنده کرده و بگیرم؟

۵- در سال ۱۳۷۵ به اتفاق همسر از وابستگی به بهائیت اعلام تبری کرده و در نزد یکی از علمای سازمان تبلیغات اسلامی همدان به دین اسلام و مذهب تشیع مشرف شدیم. در نتیجه تشکیلات بهائیت این دفعه فشار خود را تشدید کرده و ضربات سنگین و وحشتناکی را بر ما وارد و حقوق شخصی ما را زیر پا گذاشت. آن‌ها در اولین گام با عنوان میهمان وارد حریم زندگی ما شده و با برنامه تشکیلاتی با هدف ویران کردن زندگی مشترک - بر خلاف دوران بهائیگری که ما را مجبور به زندگی مشترک کردند- این بار در جدا کردن و تخریب زندگی مشترک ما وارد شدند. ما بر اساس آموزه های اسلامی و غافل از برنامه تشکیلاتی از آن‌ها پذیرایی کردیم ولی آن‌ها آن‌ها از ما نامه هایی علیه جمهوری اسلامی گرفتند، سپس آن‌ها در اختیار جمهوری اسلامی قرار دادند که با ابزار جمهوری اسلامی ایران ما را از بین ببرند تا از آن، وسیله و خوراکی برای ادامه اغفال جوانان بهائی و ابزار برای تحمیل فشار بین المللی بسازند که با هوشیاری مسئولین مذبوط این شگرد و هدف آنها عقیم ماند. ماشینم را از من گرفتند، خانه ام را و زندگی ام را متلاشی کردند. برادرم به امر تشکیلات بهائیت تمام دارایی مرا به باد داد، از کار اخراج کردند به تمام بهائسانی که در امر عینک سازی و پخش عینک بودند سفارش کردند که با من همکاری نکنند تا از نظر اقتصادی زمین گیرم کنند.

۶- تشکیلات بهائیت پس از یاس و ناامیدی از باز گشت مجدد ما به بهائیت با برخورد فیزیکی جنین دو ماهه همسر را ساقط کردند.

۷- پس از گرایش ما به دین اسلام تمامی اعضای خانواده ام مخصوصا پدر و مادرم را مجبور کردند تا ما را از مهر مادری و پدری محروم کنند و دیگر بهائیان را وادار کردند که در مواجهه با ما برخوردهای غیر انسانی شرایط زندگی ما را بر ما چنان سخت کنند که بیان آن موجب جریحه دار شدن عواطف انسانی می‌شود. ۱۷ سال از عمر ایام جوانی ام با فشارها و سیاست های تشکیلات بهائیت کاملا هدر رفته و تلف شده است؛ یکی از پاهایم قطع شده و فایده آن را از تشکیلات بهائیت در تبلیغ غیر انسانی برده، ازدواج تحمیلی، تلاش در تخریب کانون خانوادگی ام پس از گرایش به اسلام و ایجاد مشکلات شدید در زندگی، ساقط شدن جنین چند ماهه، تحمیل فشارهای روحی و روانی برای ایجاد افسردگی روحی، از بین بردن تمام آمال و آرزوهای انسانی ام و..... بخشی از مظالمی هستند که از سوی تشکیلات بهائیت در حق من وارد شده است. این جانب با انتشار این تظلم خواهی از طریق جراید محلی و ملی اولاً مراتب همدردی خود را با خانم مریم زارعی قربانی تشکیلات بهائیت اعلام می‌کنم؛ ثانیاً خاطر عالی مراجع محترم تقلید و علمای اعلام و مسلمین و مقامات دولتی خاصه ریاست محترم قوه قضائیه را مستحضر می‌دارم که تشکیلات بهائیت که در خود فروختگی، وطن فروشی، خیانت به مملکت و ظلم به بهائیان مسلمان شده و خوشخدمتی به دشمنان قسم خورده دین مبین اسلام گوی سبقت را برده است مشغول تبلیغ است و در جهت ایجاد انحرافات عقیدتی در بین مسلمانان فعالیت می‌کند چاره ای بیندیشید؛ ثالثاً اذهان مردم متدین به اسلام را توجه می‌دهم که بهائیت برای مبارزه با اسلام و مکتب شیعه توسط کمپانی های دین سازی استعمار خلق تاسیس شده است، فریب ظاهر دینی این فرقه سیاسی را نخورید چرا که در پشت لبخندهای مصنوعی آن‌ها تفکری زهر آگین علیه مکتب تشیع نهفته است. آن

ها ویروس های مخربی هستند که نباید مجال ورود پیدا کنند که اگر وارد شوند به غده سرطانی تبدیل و روح و روان افراد را نشانه خواهند گرفت.



افشاگری هگمتانه در ذره بهائیت

شعله ور شدن آتش زیر خاکستر

هگمتانه – دوشنبه ۱۲ تیر ۱۳۸۵

افشاگری هگمتانه درباره بهائیت

شعله ور شدن آتش زیر خاکستر

در ادامه سلسله افشاگری روزنامه هگمتانه در مورد تشکیلات ملحد و منحرف بهائیت دیروز سرگذشت غم انگیز جوانی را منتشر کردیم که موجی از تأثر و تأسف در جامعه به راه انداخت و مردم مسلمان و مومن همدان با تماسهای متعدد تلفنی و مراجعات حضوری ما را به ادامه راه تا فروپاشی کامل این فرقه ضاله و وابسته به بیگانگان راسخ تر کردند .

عمده محور اظهارات مردم این بود که چرا باید اجازه داد در قلب جامعه اسلامی و در سایه امنیت و رفاهی که به قیمت خون دهها هزار سرو رشید و شهید فراهم شده عده ای آلت دست بیگانگان وطن فروش و خائن از دل مشغولی مسوولان به مسائل مهم کشوری سوء استفاده کرده و موربانه وار ریشه های اعتقاد و باورهای دینی این مردم ولایی را بچونند و شرنگ زهر به کام مردم بریزند.

مردم می پرسند آیا فقط باید نگران آن سوی مرزها بود و با چشم های منحصر باز تحرکات دشمن را تعقیب کرد یا باید همان چشم های باز نگاهی نیز به زیر پا و دشمنان پیچیده در شولای رنگ ها و ترفندهای مسموم داشت و اجازه نداد این غده سرطانی بیش از این در دل و جان مردم ما ریشه دواند و سلامت جامعه ما را از درون تهدید کند .

به دنبال انتشار زندگی نامه دو بانو و یک مرد مسلمان شده بریده شده از بهائیت که با ذکر کامل مشخصات و عکس در هگمتانه صورت گرفت بسیاری از مردم باور نمی کردند که در چنین اوضاع و احوالی این جماعت اینچنین موزیانه و رذیلانه به کار خویش مشغول باشند .

مردم فکر می کردند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و فرار سران این تشکیلات به خارج از کشور پرونده فجایع فرقه بهائیت در ایران بسته شده و فریب خوردگان دوباره اسلام آورده اند و تحت این شرایط بسیار دشوار می شد پذیرفت که اینان با تغییر رنگ و ترفند همچنان از بیگانگان دستور می گیرند ، کادر می سازند تا به هنگام نیاز به عنوان ستون پنجم و عوامل نفوذ در قلب جامعه اسلامی عمل کنند .

در همین مورد جمعی از بهائیان مسلمان شده طی تماسهای جداگانه و در یک مورد چند نفری با سرویس خبری هگمتانه مطالبی با ما در میان گذاشتند که به لحاظ احتمال تشویش اذهان عمومی و بهره برداری سوء دشمنان اسلام و انقلاب فعلا از انتشار این موارد صرف نظر می کنیم اما در آینده نزدیک این مطالب را با تفسیر کامل بازتاب خواهیم داد و مسوولان محترم را مجاب خواهیم کرد در این زمینه کاملا چکشی بر خورد کنند و اطمینان داشته باشند ترحم بر پلنگ تیز دندان ستم کاری بود بر گوسفندان

ذیلا بخشهایی از نامه جمعی از بهائیان مسلمان شده را که دیروز به دستمان رسید منتشر می کنیم و تحلیل مطالب را به روزهای بعد موکول می نمایم .

مدیر مسوولان محترم جراید استان همدان
سلام علیکم

با احترام در پی نشر اطلاعیه خانم زارعی آن قربانی دسیسه های تشکیلات بهائیت ما جمعی از بهائیان مسلمان شده به اطلاع مردم شریف استان همدان می رسانیم هسته اولیه بهائیت با علم شدن میرزا حسینعلی نوری مازندرانی جهت مبارزه با دین اسلام و خدمت به اربابان دین سازی تشکیل شد و باهدای مدال افتخار به عباس افندی معروف به عبدالبهاء توسط دولت انگلیس و تأسیس و استقرار بیت العدل مرکز جهانی تشکیلات بهائیت در فلسطین اشغالی زیر لوای رژیم صهیونیستی اسرائیل مراحل تکمیلی خود را سپری نمود . این فرقه سیاسی که در تعارض جدی با مکتب تشیع می باشد در وطن فروشی اضمحلال تعصب سرزمینی و خوش خدمتی به دشمنان قسم خورده اسلام خاصه آمریکا و اسرائیل دستور دارد و در اجرای این دستورات می باشد که افرادی همچون خانم مریم زارعی قربانی دسیسه های شیطانی تشکیلات بهائیت و عناصر وابسته به آن می شود .

ملت مومن و وطن دوست ایران در جریان باشند هیچ عنصر بهائی دلش برای سرزمین ایران نمی تپد ، هیچ عنصر بهائی در طول جنگ تحمیلی قدمی در دفاع از این مزر و بوم برداشت. تمامی بهائیان در جلسات و محافل تشکیلاتی خود از بارش بمبهای دوران جنگ تحمیلی بر سر مسلمانان شادمان بودند و از تماشای شهدای جنگ نه تنها محزون نمی شدند بلکه اظهار شادمانی و سرور می کردند . تشکیلات بهائیت با از بین بردن تعصب سرزمینی و ملی از عناصر وابسته یک مشت انسانهای بی اراده و در خدمت استکبار ساخته و پرداخته است که صرفا به مأموریت ابلاغی از سوی تشکیلات بهائیت می اندیشند .

خانم مریم زارعی هم بدانند که اولین قربانی دسایس شیطانی بهائیت نیستند .

ما و خانواده های ما نیز همچنان در معرض ظلم و اجحاف این جماعت قرار داریم .

یکی از ترفند ها و مظلّم آنها بی اعتبار ساختن جماعت عظیمی از بهائیان مسلمان شده است که باطراحی جریاناتی همچون زندگی خانم زارعی در صدد خدشه دار نمودن چهره بهائیان مسلمان شده در این مملکت اسلامی صورت می گیرد .

